

نگاهی به جایگاه طب و پزشکان در نظرگاه حکیم توس؛ ابوالقاسم فردوسی

A Look at the Place of Medicine and Doctors in the View of Hakim Abul-Qasem Ferdowsi



Corresponding author:
Mahdiar Saeedian; MD

Email: saeedian79@gmail.com

نویسنده مسئول: دکتر مهدیار سعیدیان؛

پزشک عمومی، عضو اصلی کمیسیون روابط عمومی سازمان نظام پزشکی مشهد، مشهد، ایران

Mahdiar Saeedian

How to cite this article: Saeedian M. A Look at the Place of Medicine and Doctors in the View of Hakim Abul-Qasem Ferdowsi. *J Mashhad Med Counc* 2018;22:4-5.

از میان حکمای شاعر، گویا فردوسی بیشتر به امورات پزشکی آشنا بوده و این را می‌توان از خلال بسیاری از داستان‌هایش از جمله داستان " تولد رستم از شکم مادرش رودابه " دریافت. آنجا که همسایگان رودابه دریافتند طفلی که در شکم او تکان می‌خورد، آنقدر بزرگ است که رودابه نمی‌تواند به طور طبیعی زایمان کند. پس در اینجا فردوسی شاعر به عنوان حکیم که گویا علم سزارین را می‌داند، دستور سزارین رودابه را از سوی سیمرغ می‌دهد و با شکافتن پهلوی رودابه، رستم متولد می‌شود. فردوسی در اینجا با بیش از ۵۰ بیت به چگونگی شرح این عمل سخت پرداخته و در این ۵۰ بیت نشان داده که از تمام مباحث، چم و خم‌ها و علوم مربوط به سزارین و گذراندن دوران نقاهت پس از زایمان توسط مادران آگاه است:

بیاور یکی خنجر آبگون

یکی مرد بیتادل پرفسون

شکافیده بی‌رنج پهلوی ماه

بتابیده مریچه را سرز راه

چنان بی‌گزندش برون آورید

که کس در جهان این شگفتی ندید

البته علم پزشکی فردوسی به همین جا ختم نمی‌شود، او چند بار دیگر در طول قصه‌های مختلف شاهنامه، آگاهی خود از "عمل‌های سخت جراحی" را به رخ خواننده می‌کشد که از جمله می‌توان به داستان معروف جنگ رستم با اسفندیار اشاره کرد؛ جنگی که در آن رستم و اسب او یعنی رخس، زخم‌های شدیدی برداشتند و این بار فردوسی خود سیمرغ را مأمور رسیدگی به حال وخیم آن دو در این نبرد می‌کند و به او می‌گوید چگونه به معاینه زخم‌های آن‌ها بپردازد و با تخلیه خون، زخم‌های عمیق را کاهش دهد:

نگه کرد مرغ اندر آن خستگی

بدید اندر او راه پیوستگی

بر آن خستگی‌ها بمالید پر

هم اندر زمان گشت با زیب و فر

منظور فردوسی از به کار بردن واژه «خستگی» در واقع استفاده از همان مصدر خستگی یعنی «خستن» یا زخمی شدن است و در همین نبرد است که سیمرغ با پی بردن به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر اسفندیار رویین‌تن به راهتمایی رستم می‌پردازد تا این‌که این نبرد

نام فردوسی بزرگ با لقب "حکیم" درآمیخته است. درحالی که می‌دانیم در ادبیات پزشکی ایران باستان، حکیم‌ها عموماً کسانی بوده‌اند که علاوه بر حکمت، به علم پزشکی و دارویی نیز احاطه داشته‌اند و بسیاری از شاعران و سرایندگان نامدار ایران همواره حکیمان و فیلسوفان بزرگ و به معنای واقعی کلمه "فرهیخته" بوده‌اند و پیشوند "حکیم" نیز برآورنده نام و شهرت آن‌ها است و این خود بر پایگاه اجتماعی آن‌ها هم افزوده است. به این نکته هم بیفزاییم که متأسفانه حکمت و احترام به حکیم، حلقه مفقوده در میان جامعه پزشکی و هم مردم است که این خود زمینه سوءاستفاده از لقب "حکیم" را در میان عده‌ای فرومایه و مداخله‌گر طب فراهم آورده است. نام‌هایی مانند حکیم عمر خیام، حکیم سوزنی سمرقندی، حکیم سنایی غزنوی، حکیم خاقانی شروانی، حکیم قانی شیرازی کجا و این حکیمان عوام‌فرب امروز کجا! بگذریم ...

با پیروزی رستم به پایان می‌رسد.

طب و احساس

قصه اندوهناک فردوسی در نبرد رستم با پسرش سهراب نیز با تمسک یافتن فردوسی به مسائل پزشکی و مباحث علمی - دارویی پایان می‌یابد. آنجا که رستم بعد از فروکردن خنجر به پهلو سهراب، ناگهان متوجه می‌شود پسرش را زخمی کشنده زده است و تقاضای نوشدارو می‌کند؛ همان نوشدارویی که "استاد شهریار" هم با استفاده از آن پیش‌زمینه ذهنی و تاریخی در یکی از معروف‌ترین غزل‌هایش گفته است: «نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی» که نوشدارو به معنای پادزهر است.

طب و داروشناسی

در علم پزشکی کهن، اکثر داروها از گیاهان به دست می‌آمدند و واژه «دارو»، از کلمه «دار» که نام دیگر «درخت» است، گرفته شده است. فردوسی در شرح پادشاهی اتوشیروان به رفتن «روزبه» پزشک همراه یک گروه پزشکی به کشور هندوستان، آن هم برای به دست آوردن گیاهان طبی اشاره می‌کند:

چو «برزوی» بنهاد سرسوی کوه

برفتند با او پزشکان گروه

برفتند هرکس که دانا بداند

به کار پزشکی توانا بداند

گیاهان ز خشک و ز تر برگزید

ز پژمرده و هرچه رخشنده بید

آنچه از اشعار فردوسی بر می‌آید حاکی از وقوف او به «اخلاق پزشکی» است. مقایسه کنید با حکیم‌نماهای امروزی و مدعیان طب اسلامی که چون رسوا می‌شوند زبان به نفرین و دشنام می‌گشایند!

درد بر روان فردوسی "پاکزاد" که حکمت حقیقی را دریافته بود.

سخن چون برابر شود با خرد

روان سراینده رامش برد

References

1. Ferdowsi A. Shahnameh. 5th ed. Tehran: Sokhan Publisher; 1995.
2. Behjat Tabrizi MH. Shahriar's Divan. 6th ed. Tehran: Saadi; 1978.

لطفاً به این مقاله از ۱ تا ۲۰ امتیاز دهید و به شماره پیامک مجله (۳۰۰۰۷۸۲۸) ارسال فرمایید.

کد مقاله: ۷۶۰۲ نحوه امتیازدهی: امتیاز-شماره مقاله